

مشاور ارشد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی؛

هنر ما را دور هم جمع می‌کند

استاد محمد علی آذر شب، عضو کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران شورای عالی انقلاب فرهنگی، عضو ارشد مجمع جهانی تقریب مذاهب و استاد دانشگاه تهران است. او در این یادداشت درباره اهمیت ایجاد بستر مشترک میان ایران و کشورهای عربی در حوزه هنر و فرهنگ پرداخته است.

جایگاه زبان

بزرگترین مشکل جهان اسلام و اماندگی از تمدن اسلامی است و این دغدغه همیشه در ذهن من بوده است. یکی از نقص‌های ما در ایران برای استفاده حداکثری از بستر مهبیای کشورهای عربی بحث زبان است. ما پیوندی با جهان عرب نداریم. زبان عربی زبان قومی نیست و زبان تمدن اسلامی است و این را باید همه بفهمیم. عربی زبان قوم عرب نیست. زبان فارسی هم زبان تمدن اسلامی است. اقبال لاهوری یک سفر هم نیامده ایران اما همه دیوانش به زبان فارسی است. در جنوب شرق آسیا و شبه قاره فارسی زبان اصلی بوده است. این دو زبان را به عنوان زبان تمدنی باید بدانیم و آن را معرفی کنیم و گسترش دهیم.

ضرورت توجه به ادبیات

در کنار زبان، ادبیات هم بسیار مهم است. دولت آل بویه و سلجوقیان و... پیوندشان با جهان عرب با ادبیات بود. متنی شاعر برجسته عرب سال‌های آخر عمرش به شیراز آمد. اشعاری خواند و ادبیاتی به وجود آورد. منتقدان می‌گویند بهترین پیشرفت متنی زمانی بود که به ایران آمد. این تحول محیطی به نظرم موثر است در شکوفایی زبان و ادبیات. شفیع کدکنی می‌گوید رابطه زبان و ادبیات عرب و فارسی مانند ظروف مرتبط است. واژه بسیار درستی است. هر تأثیری بر روی یکی از این‌ها بر آن دیگری هم اثرگذار است. این‌ها ارتباط بسیار بالایی دارند. سید قطب جوهری می‌گوید ادبیات عرب در حال خاموشی است اگر می‌خواهید رونق پیدا کند باید پیوند بخورد با ادبیات فارسی. طه حسین هم همین طور است و مکاتبات علامه قزوینی با طه حسین هم همین تأکید را نشان می‌دهد. بزرگان دنبال این ارتباط بودند. ما گنج‌های بسیاری داریم اما رهایشان کرده‌ایم.

اهمیت هنر در ارتباط کشورها

اگر به جهان اسلام به عنوان حوزه

تمدنی نگاه کنیم خیلی از مشکلات ما حل می‌شود؛ ما با اندونزی و مراکش تحت یک پرچم هستیم و آن تمدن اسلامی است. این تمدن افول کرد اما ریشه‌های آن موجود است. آن پیوندها باقی است. ما مسیحی و زردشتی و یهودی هم داریم که همه‌شان در این تمدن قرار می‌گیرند. جبران خلیل جبران فرزند این تمدن است. در زادالمعاد وقتی می‌نویسد انگار صوفی است. هنر ما را دور هم جمع می‌کند. یک بار مهمان یک اندیشمند عرب بودم به نام الکعک در خانه‌اش داشت شجریان گوش می‌داد. این یعنی توجه به هنر ما را به هم نزدیک می‌کند.

هنر پیوند دهنده کشورهای منطقه

در روزگار گذشته بین ما یک دیپلماسی ادبی و فرهنگی برقرار بود. سعی کردم به عنوان رایزن یا استاد دانشگاه به این سمت بروم که هنر را به عنوان پیوند جهان اسلام و کشورهای منطقه ببرم؛ از ادبیات تا همه هنرها. ما باید مبادله معرفتی داشته باشیم. در دانشگاه خارطوم، حلب و دمشق درباره پیوند میان هنرهای جهان عرب و فارسی زبانان گفتم و هم کتاب نوشتم برای آموزش زبان عربی و هم کتاب نوشتم برای آموزش زبان فارسی. این وحدت کلامی و فرهنگی بسیار مهم است برای گسترش ارتباط ما با هم. انسان ذاتاً دنبال زیبایی است. اما ما در ارتباط هنر به هنر هم ضعیف هستیم. این پیوندها بین هنرمدان باید ایجاد شود. مترجمی باید ترجمه کند که روح ادبیات را بشناسد و از جانش اضافه کند به متن. ما در ارتباط با هنر باید این گونه عمل کنیم.

ضعف دانشگاه‌ها

مقررات دانشگاه دارد دانشجویان و هنرمدان را می‌کشد به سمت دکان اما باید بکشاند سمت آرمان. دانشگاه‌ها و وضعیت تحصیلی در امروز دارد شکوفایی را از بین می‌برد. به سمت هدف بزرگ سوق نمی‌دهد. این است که دانشگاه‌ها افول کرده‌اند و هنرمدان جای دیگر رشد می‌کند. الان دانشگاه دنبال مقاله است و ما را عقب انداخته با این قوانین دست و پاگیر. جلوی شکوفایی را گرفته است.

برای تعامل حداکثری با کشورهای منطقه در گام اول باید دانشگاه درست شود و به هنر بیش از پیش بها بدهیم.

